

پیامدهای رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها بر علوم دریایی

سیدضیاءالدین مدنی

استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم دریایی، گروه حقوق و مطالعات راهبردی، مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی، استان تهران، تهران، پست الکترونیکی: z.madani@inio.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۶

* نویسنده مسوول

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۰

© نشریه علمی - پژوهشی اقیانوس‌شناسی ۱۳۹۲، تمامی حقوق این اثر متعلق به نشریه اقیانوس‌شناسی است.

چکیده

حقوق دریاها، نقطه تلاقی منافع حقوق‌دانان بین‌المللی و منافع اقیانوس‌شناسان به یکدیگر است. این پیوند و تلاقی به‌ویژه در زمینه تحقیقات علمی دریایی به اوج خود می‌رسد. انعقاد کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها، و به‌ویژه بخش سیزدهم این کنوانسیون درباره تحقیقات علمی دریایی، تأثیر بسزایی بر علوم دریایی به‌طور کلی داشته است. برخی حقوق‌دانان بین‌المللی این تأثیر را محدودکننده آزادی انجام تحقیقات و دست و پاگیر برای دانشمندان علوم دریایی دانسته و آن را منفی می‌پندارند. این گروه عمدتاً حقوق‌دانان کشورهای قدرتمند دریایی به‌ویژه آمریکا هستند. اما گروه دوم، حقوق‌دانانی هستند که این تأثیر را مثبت و مطلوب قلمداد می‌کنند و مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را موجب نظام‌مندی و قاعده‌مند شدن این تحقیقات می‌دانند که موجبات مشارکت و بهره‌مندی عادلانه تمامی کشورهای اعم از ساحلی، غیرساحلی، قدرتمند و غیرقدرتمند دریایی را از برآیند تحقیقات علمی دریایی فراهم ساخته است.

کلمات کلیدی: حقوق بین‌الملل، حقوق دریاها، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تحقیقات علمی دریایی، علوم دریایی.

۱. مقدمه

۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد. کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ در اساس، با ابعاد حقوق بین‌المللی عمومی دریاها و اقیانوس‌ها سروکار دارد.

بخش سیزدهم این کنوانسیون در باب تحقیقات علمی دریایی، در کانون تمرکز این نوشتار قرار دارد، از این حیث که در خود

نزدیک به سی سال از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد برای حقوق دریاها در مونته‌گوبی جامائیکا می‌گذرد.^۱ این سند در

^۱ کنوانسیون سوم ملل متحد حقوق دریاها (UNCLOS III)، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ است که در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا گردید. متن اصلی کنوانسیون به زبان‌های شش‌گانه در تارنمای سازمان ملل متحد قابل دسترس است. متن ترجمه شده به زبان فارسی، با وجود ایرادات ماهوی و شکلی فراوان، این منبع است: حقوق بین‌الملل

دریاها: کنوانسیون حقوق دریاها (مصوب ۱۹۸۲)، ترجمه منصور پورنوری و محمد حبیبی، تهران: مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی، نشر مهد حقوق، ۱۳۸۳.

۲. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۵۸

به تبع تأثیرات آزمایش‌های هسته‌ای، مباحث پیش از کنفرانس ژنو ۱۹۵۸ در چارچوب کمیسیون حقوق بین‌الملل بسیار چالش‌برانگیز بود.^۱ به‌رغم برخی کوشش‌ها مبنی بر درج تحقیقات علمی در زمره‌ی یکی از آزادی‌ها به فهرست مربوطه، متن نهایی کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو برای دریای آزاد، این کوشش‌ها، که به‌طور عمده از سوی دولت‌های قدرتمند دریایی به‌عمل می‌آمد، را بی‌نتیجه گذاشته و تحقیقات علمی را به مثابه‌ی یکی از آزادی‌های دریای آزاد قلمداد نمود، منصرف از اعلامیه کمیسیون حقوق بین‌الملل که در آن آزادی‌های دیگری، بجز چهار مورد فهرست‌شده، لحاظ گردیده‌اند.^۲ با این‌وجود، حقوق اعمال فعالیت‌های تحقیقاتی به‌طور عمده به مثابه‌ی یک آزادی در دریای آزاد قلمداد گردید.^۳

«کشورهای رو به توسعه در کنفرانس سوم حقوق دریاها نگران بودند که سایر کشورها از آزادی دریا در منطقه اختصاصی اقتصادی و فلات قاره خارج از آب‌های ساحلی آن‌ها، تحت عنوان مطالعات دریایی به جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی بپردازند. از سوی دیگر ممانعت از انجام این‌گونه مطالعات در زمینه‌هایی مانند هواشناسی و شناخت آثار جریان‌های آب در دریا و سایر عوامل طبیعی بستر اقیانوس، منطقی به‌نظر نمی‌رسید. کشورهای رو به توسعه کسب اجازه قبلی را لازم می‌شمردند در صورتی که سایرین صرف اعلام قبلی را کافی می‌دانستند. نتیجه این شد که برطبق مفاد کنوانسیون، خارج از منطقه‌ی حاکمیت مطلق در آب‌های ساحلی، انجام مطالعات در منطقه‌ی اقتصادی و فلات قاره‌ی تحت بهره‌برداری کشور ساحلی، باید با اجازه‌ی قبلی این کشور باشد. در «شرایط عادی» اجازه‌ی مطالعات صلح‌آمیز

یک رژیم حقوقی ویژه برای فعالیت‌های تحقیقاتی در تمامی بخش‌های دریا جای داده است.

رژیم تحقیقات علمی دریایی که در آن فعالیت‌ها به اقتضا و با لحاظ اهداف‌شان به اجرا درمی‌آیند، عملیات و وضعیت هر طرف شرکت‌کننده را تعیین می‌کند. این امر ممکن است به‌طور صرف با لحاظ شرایط بر روی کاغذ صورت پذیرد، مانند محدودسازی آزادی تحقیقات علمی در مناطق خاصی از دریا، و یا ممکن است به‌صورت عملی صورت پذیرد، مانند آنچه برطبق کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ مقرر شده است که در آن، میان تحقیقات علمی (موضوع بخش سیزدهم) و مقوله کاوش (موضوع بخش یازدهم) تفکیک قایل شده است.^۴

برای بررسی و تدقیق مسئله مطروحه در این نوشتار، در بادی امر لازم است به بررسی اجمالی رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی پیش از کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها، یعنی رژیم حقوقی مندرج در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۵۸ حقوق دریاها برای تحقیقات علمی دریایی بپردازیم، و پس از آگاهی از وضعیت این تحقیقات پیش از رژیم نوین، به تبیین رژیم مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اهتمام ورزیده، و در نهایت تأثیرها و پیامدهای این رژیم بر علوم دریایی از زمان انعقاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تاکنون را مورد واکاوی قرار دهیم.

^۱ برای درک بهتر تفاوت میان دو مفهوم «کاوش» (prospecting) و «اکتشاف» (Exploration) بهتر است به مقررۀ شماره ۱ (بند ۳ پاراگراف (ب) و (ه) از مقررات مربوط به کاوش و اکتشاف برای کلوخه‌های پلی‌متالیک در منطقه (اعماق دریا)، مصوب شورای مقام بین‌المللی اعماق (۱۳ ژوئیه ۲۰۰۰) اشاره کنیم. در این مقررۀ، این دو مفهوم به ترتیب ذیل تعریف شده‌اند:

«کاوش: جستجو برای رسوبات ... از جمله تخمین ترکیبات، اندازه‌ها و پراکندگی ... رسوبات و ارزش‌های اقتصادی آن‌ها، بدون هیچ‌گونه حقوق انحصاری؛ اکتشاف: جستجو برای رسوبات ... با حقوق انحصاری، تجزیه و تحلیل این رسوبات، آزمایش سیستم‌ها و تجهیزات جمع‌آوری (رسوبات)، امکانات پردازش و سنجش و سیستم‌های نقل و انتقال، و انجام مطالعات بر روی شاخص‌های زیست محیطی، فنی، اقتصادی، تجاری و سایر شاخص‌های مقتضی که برای بهره‌برداری باید مدنظر قرار گیرند.»

آن‌چنان‌که می‌توان ملاحظه کرد، مهم‌ترین تفاوت میان این دو مفهوم، عمق واکاوی و تحلیل و همچنین حقوق موجود نسبت به آن مواد رسوبی است. بنابراین طبقه‌بندی این دو در ۲ فاز عملیاتی به‌نظر منطقی می‌رسد، از این حیث که واکاوی در فاز نخست (یعنی کاوش) ممکن است به این نتیجه بیانجامد که نیازی به ورود به فاز دوم (اکتشاف) وجود ندارد و از همین رو لزومی برای تعمیق تحقیقات و واکاوی و مهم‌تر از آن، تلاش برای تحصیل حقوق مزبور از دولت ساحلی وجود نخواهد داشت.

^۲ در این باره نوشته‌های فراوانی وجود دارند که به ابعاد گوناگون این آزمایشات هسته‌ای و آثار و تبعات آن‌ها می‌پردازند؛ اما چون از چارچوب بحث ما خارج‌اند به ذکر منبعی از آن بسنده می‌کنیم:

Edward D. Brown, Freedom of scientific Research and Legal Regime of Hydrospace, Indian Journal of International Law, No. 9, 1969, 347 p.

^۳ در این رابطه بنگرید به گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در جلسه هشتم آن مورخ ۲۳ آوریل لغایت ۴ ژوئیه ۱۹۶۵:

ILC Off. Rec., Suppl. 9 (A/3159).

^۴ محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران:

کتابخانه گنج‌دانش، ۱۳۸۵، صفحات ۳۴۹ و ۳۵۰.

ب) حقوق کشور ساحلی در فلات قاره، یک حقوق ذاتی است، اما حقوق کشور ساحلی در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی، یک حقوق اختیاری است؛ یعنی استفاده‌ی کشور ساحلی در فلات قاره نیاز به اعلام ندارد، حال آنکه کشور ساحلی زمانی می‌تواند از منطقه انحصاری اقتصادی استفاده نماید که از سوی او مورد ادعا و اعلام قرار گرفته باشد؛

ج) آب‌های فوقانی فلات قاره در محدوده ۲۰۰ مایلی جزیری از منطقه انحصاری اقتصادی نیز محسوب می‌شوند، در صورتی که آب‌های منطقه انحصاری اقتصادی، ماهیت همان منطقه را دارند؛

د) بهره‌برداری از فلات قاره، شامل منابع جاندار متحرک (مانند انواع ماهی‌ها یا پستانداران دریایی) نمی‌شود، حال آنکه منطقه‌ی انحصاری اقتصادی شامل کلیه منابع اعم از معدنی، جاندار (متحرک و غیرمتحرک) و بی‌جان می‌شود.

ه) در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی، تعهد به حفظ موجودات زنده و احیاناً مشارکت کشور ساحلی با سایر کشورها در انجام تعهد وجود دارد، در صورتی که این تعهد در مورد فلات قاره وجود ندارد.^۳

با وجود تفاوت‌های بالا، اگر پافشاری شدید دولت‌های ساحلی برای درج قسمتی از فلات قاره که خارج از محدوده ۲۰۰ مایل است، در داخل نظام فلات قاره نبود، نظام حقوقی فلات قاره در نظام منطقه انحصاری اقتصادی ادغام می‌شد.^۴ هرچند، در جریان کنفرانس سوم حقوق دریاهای، هیأت‌های نمایندگی کشورهای صنعتی در تلاش بودند تا رژیم تحقیقات علمی دریایی در فلات قاره را تغییر دهند تا از رهگذر آن به آزادی کامل در این منطقه نایل شوند.^۵ از این نقطه‌نظر کشورهای صنعتی، آزادی تحقیقات علمی دریایی، حتی در چارچوب صلاحیت ملی، برای بشریت جملگی یک نعمت است. اما از نقطه‌نظر کشورهای درحال توسعه، منافع تحقیقات علمی دریایی تنها هنگامی قابل حصول است که دولت ساحلی امکان کنترل تمامی فعالیت‌های

باید بلاوقته صادر شود و «بدون دلیل کافی و منطقی دچار تأخیر یا رد نشود» مگر به دلایل خاصی که در پیمان ذکر و مشخص شده است. به این منظور مقرر شد، در صورتی که کشورهای ساحلی ظرف شش ماه از دریافت تقاضا پاسخ ندهند، سکوت کشور ساحلی به منزله‌ی اجازه تلقی شود.^۱

ریشه‌های گسترش صلاحیت دولت ساحلی راجع به تحقیقات علمی دریایی را می‌توان در کنوانسیون ژنو فلات قاره جستجو نمود. کشف نفت و گاز در بستر و زیر دریا در دهه ۱۹۳۰ میلادی در ساحل بسیاری از کشورها در ماورای دریای سرزمینی منجر بدان شد که بسیاری از دولت‌ها به سرکردگی آمریکا، مدعی حقوق انحصاری مربوط به بهره‌برداری از ناحیه‌ای شوند که پیش از آن در زمره دریای آزاد قلمداد می‌شد و از همین رو همگان در آن از آزادی برخوردار بودند. بنابراین، در ظرف چند سال قاعده‌ای عرفی شکل گرفت که پس از آن نخستین بار در کنوانسیون ژنو ۱۹۵۸ فلات قاره تدوین گردید و متعاقب آن هم در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مورد تأیید مجدد قرار گرفت.^۲

بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۸ فلات قاره، تحقیقات علمی دریایی باید با رضایت دولت ساحلی به انجام می‌رسید. با این پیشینه، منطقی بود انتظار داشته باشیم که همین رژیم برای منطقه انحصاری اقتصادی هم مورد پذیرش قرار گیرد، زیرا هر دوی این مناطق دارای رژیم بسیار مشابهی هستند. به بیان دیگر، به جز مقررات مربوط به «حفاظت و مدیریت» و «آب‌های فوقانی آن‌ها»، بقیه حقوق دولت ساحلی در هر دو منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، به‌طور کامل مطابق با کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو برای فلات قاره و حقوق بین‌الملل عرفی است. اما به‌رغم پاره‌ای شباهت‌ها که میان نظام حاکم بر منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، که به‌طور عمده به دلیل هم‌پوشانی (در غالب موارد) جغرافیایی آن دو وجود دارد، تفاوت‌های آشکاری نیز میان آن‌ها قابل ذکر است که به ترتیب ذیل است:

«الف) عرض فلات قاره ممکن است از ۲۰۰ مایل تجاوز کند، در صورتی که عرض منطقه‌ی انحصاری اقتصادی حداکثر همان ۲۰۰ مایل است؛

^۳ هوشنگ مقتدر، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، صفحات ۱۹۸ و ۱۹۹.

^۴ رابین چرچیل و آلن لو، حقوق بین‌الملل دریاهای، ترجمه بهمن آقایی، تهران: گنج-دانش، ۱۳۷۷، صفحه ۹.

^۵ Jose Luis Vallarta, Protection and Preservation of the Marine Environment and Marine Scientific Research at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, Law and Contemporary Problems, vol. 2, The Law of The Sea: Where Now?, 1983, 147-154 pp. at 153 p.

^۱ احمد متین‌دفتری، سیر تحول حقوق بین‌الملل دریایی: از گروسوس تا کنفرانس‌های ژنو، تهران: گنج‌دانش، ۱۳۸۷، صفحه ۳۶۹.

^۲ Antonio Cassese, International Law, Second Edition, New York: Oxford University Press, 2005, 89 p.

قاره، نخستین محدودیت خاص را بر انجام تحقیقات علمی دریایی در یک سند بین‌المللی لحاظ می‌کند. این کنوانسیون در ماده ۵ (بند ۸) چنین مقرر می‌دارد:

«رضایت دولت ساحلی درخصوص هرگونه تحقیقات راجع به فلات قاره و قابل انجام در محل فلات قاره باید جلب شود. دولت ساحلی نباید به‌طور معمول از دادن رضایت به درخواست تحقیقات استنفکاف ورزد ... چنانچه هدف از درخواست مزبور تحقیقات علمی محض در باب ویژگی‌های فیزیکی یا زیست‌شناختی فلات قاره باشد، مشروط به این شرط که دولت ساحلی حق داشته باشد ... در تحقیقات شرکت کرده یا نماینده بدان اعزام نماید، و اینکه تحت هر شرایطی نتایج حاصل از تحقیقات باید انتشار یابد.»

کنوانسیون ۱۹۵۸ فلات قاره ژنو، که برآیند نخستین کنفرانس ملل متحد برای حقوق دریاها است، دربردارنده نخستین مقررات تحقیقات علمی در حقوق بین‌الملل است. این کنوانسیون دربردارنده مقرراتی است که بیانگر درک عمیق دولت‌ها از اهمیت واقعی موضوع تحقیقات علمی دریایی است. به‌عنوان نمونه، این کنوانسیون ایجاد هرگونه مداخله در تحقیقات اساسی مربوط به اقیانوس‌شناسی یا تحقیقات علمی دیگر را از طریق انجام هر نوع فعالیت اکتشافی و یا بهره‌برداری از منابع طبیعی در فلات قاره منع می‌کند.

برآیند دیگر کنوانسیون ۱۹۵۸ فلات قاره ژنو، تکوین مقررات رژیم اخذ رضایت است.^۵ بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۸ فلات قاره، تحقیقات علمی دریایی باید با رضایت دولت ساحلی به انجام می‌رسد. پس از کنفرانس‌های ژنو، سازمان‌های تحقیقاتی مانند کمیسیون بین‌الدولی اقیانوس‌شناسی (I.O.C) و شورای بین‌المللی اکتشاف دریا (ICES) مسوولیت بررسی آثار ماده ۵ کنوانسیون ژنو فلات قاره بر اقیانوس‌شناسی را برعهده گرفتند. کارگروه‌هایی به همین منظور تشکیل شدند، و در ۱۹۶۳ سرانجام کمیسیون بین‌الدول اقیانوس‌شناسی فهرستی را از مسایل متعاقب رژیم حقوقی جدید منتشر نمود. این مسایل و مشکلات عبارت بودند از:

اختلال در اقیانوس‌شناسی بنیادین یا سایر تحقیقات علمی انجامی با نیت نشر علنی گردد.»

⁵ Don Walsh, [Protection and Preservation of the Marine Environment and Marine Scientific Research at Third United Nations Conference on the Law of the Sea]: Comment, Law and Contemporary Problems, vol. 46, No. 2, The Law of the Sea: Where Now?, 1983, 167-173 pp. at 169.

تحقیقاتی خارجی در حیطه‌ی صلاحیت ملی، از جمله منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را داشته باشد.

با این تفاسیر، سکوت کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو دریای آزاد درباره تحقیقات علمی دریایی، و در مقابل، مقررات صریح در این باب در کنوانسیون ژنو فلات قاره،^۱ موجب گردید که دولت‌های ساحلی در پی آن چنین استدلال کنند که صلاحیت بر تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی، یعنی همان ستون آبی بالای فلات قاره را نیز دارند.^۲ به‌عنوان نمونه می‌توان به بند یک ماده ۵ اشاره کرد که در آن دولت ساحلی را مکلف می‌سازد تا از انجام هر عملی که منتج به دخالت در تحقیقات اقیانوسی یا علمی بنیادین با نیت انتشار عمومی شود، پرهیز کند، حتی تاحدی که با یک حق مطلق تحقیق‌کنندگان تلافی و مطابقت داشته باشد.^۳ البته این تکلیف بر دوش دولت ساحلی، هرگز مانع از آن نبوده است که ترتیبات نظارتی، کنترل و حفاظتی مقتضی را، بسته به حاکمیت، حقوق حاکمه، یا صلاحیت حسب مورد در مناطق دریایی مجاور ساحلش به اجرا گذارد. این ترتیبات در غالب موارد، نه به اختیار دولت ساحلی، بلکه التزامی بر ذمه آن دولت محسوب می‌شوند. افزون بر این، ماده ۵ بند ۸ به روشنی مبنایی صلاحیتی را برای دولت‌های ساحلی به رسمیت می‌شناسد. همچنین، کنوانسیون ژنو فلات قاره، رضایت دولت ساحلی را در کلیه مواردی «که تحقیقات از هر نوعی که باشد مربوط به فلات قاره بوده و در همین منطقه نیز به اجرا درآید» ضروری قلمداد می‌کند، که آن‌چنان که می‌توان ملاحظه کرد، گسترش صلاحیت به مناطق دریای آزاد را نیز بطور منطقی به دنبال خواهد داشت.

نخستین کنفرانس حقوق دریاها تحت تأثیر ادعاهای بسیاری دولت‌ها راجع به گسترش صلاحیت‌های دولت ساحلی در دریا و نیز منافع روزافزون منابع دریایی برگزار شد. این امر درخصوص مقوله تحقیقات علمی دریایی نیز انعکاس یافته است که همانا بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون فلات قاره گواه آن است.^۴ کنوانسیون فلات

^۱ بنگرید به بند ۸ ماده ۵ کنوانسیون فلات قاره.

^۲ Wegelein, F. H. Th., Marine scientific research: the operation and status of research vessels and other platforms in international law, Martinus Nijhoff, 2005, 61 p.

^۳ Edward D. Brown, Freedom of scientific Research and Legal Regime of Hydrospace, Indian Journal of International Law, No. 9, 1969, 353 p.

^۴ بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون ژنو فلات قاره مصوب ۲۹ آوریل ۱۹۵۸، که در ۱۰ ژوئن

۱۹۶۴ لازم‌الاجرا گردید، چنین مقرر می‌دارد:

«اکتشاف فلات قاره و بهره‌داری از منابع طبیعی آن نباید منجر به هیچگونه اختلال غیر موجه دریانوردی، ماهیگیری یا حفاظت از منابع زنده دریا گردد، همچنین نباید منجر به

۱) فقدان ثبات و قطعیت در محدوده‌ی جغرافیایی صلاحیت دولت ساحلی درخصوص فلات قاره و درخصوص مناطق انحصاری صید؛

۲) فقدان ثبات و قطعیت در این که چه نوع تحقیقاتی تحت کنترل دولت ساحلی قرار می‌گیرند؛

۳) طولانی بودن و مشخص نبودن زمان لازم برای کسب اجازه از دولت ساحلی برای انجام تحقیقات در قسمت‌های دریایی تحت صلاحیت آن دولت؛ و

۴) عدم دسترسی به بخش‌های قابل توجهی از دریا در مواقعی که دولت ساحلی از دادن اجازه خودداری می‌ورزد.^۴

۳. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها

پیشرفت سریع علوم و فناوری در چند دهه گذشته و ورود دولت‌های نوپدید بر صحنه بین‌المللی که اغلب از امکانات فناورانه بی‌بهره بودند، ضعف حقوق سنتی دریاها را به دنبال داشت که قادر به حل مسایل ناشی از این پیشرفت و تقسیم برابر منابع دریاها بین دولت‌ها نبود. بدین ترتیب می‌توان گفت که نظام نوین که به تبع در جستجوی جبران نارسایی‌های نظام پیشین می‌باشد، باید دو هدف را دنبال کند: نخست، تنظیم مقرراتی نوین که جواب‌گوی احتیاجات ناشی از همین پیشرفت علوم و فناوری باشد، و دیگر، برطرف کردن بی‌عدالتی‌هایی که در زمینه استفاده از منابع دریاها بین دولت‌ها به چشم می‌خورند. ۵ از همین رو، مذاکره‌کنندگان کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریاها موسوم به کنفرانس نیویورک، در تنظیم و تدوین کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دو هدف عمده را در سر می‌پروراند: نخست، تضعیف قانون پرچم، و دوم، تقویت آزادی دریانوردی.^۶

^۴ پیشین، همان صفحات.

^۵ جمشید ممتاز، نظام نوین دریاها و اقیانوس‌ها، مجله روابط بین‌الملل، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۲ - ۱۱، ۵۸-۱۳۵۷. به نقل از: جمشید ممتاز با همکاری امیرحسین رنجبریان، ایران و حقوق بین-

الملل، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، پاییز ۱۳۷۶، صفحه ۱۰۹.

^۶ جمشید ممتاز، تقریرات کلاسی درس حقوق دریاها مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۸۵ - ۸۴ (جزوه نزد نگارنده این نوشتار موجود است).

۱) فقدان یک محدودیت یکپارچه و مورد پذیرش همگان برای دریای سرزمینی و فلات قاره که موجب بروز مشکلاتی برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های تحقیقاتی می‌شود؛

۲) فرایندهای زمان‌بر، پیچیده و دشوار برای دسترسی به بندر چه به صورت عادی و چه در حالت اضطراری و نیز برای دسترسی به آب‌های سرزمینی؛

۳) تفسیر پیش‌شرط‌های لازم برای دادن رضایت مقرر در بند ۸ ماده ۵، به‌ویژه در مواردی که نیاز به جزئیات دقیق برنامه تحقیقاتی، اعمال هرگونه تغییر بعدی در آن برنامه را دشوار یا ناممکن می‌سازد؛ و

۴) تداخل میان صلاحیت‌های مختلف برای یک منطقه واحد، یعنی آب‌های فوقانی فلات قاره و فلات‌های مانند آن.^۱

با آغاز کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریاها، رژیم حقوقی عرفی و قراردادی تحقیقات علمی دریایی، با شک و تردیدهایی راجع به چارچوب دقیق صلاحیت دولت ساحلی نسبت به تحقیقات علمی دریایی همراه شد و به همین ترتیب هم ترسیم شد.^۲ افزون بر این، دولت‌ها، صلاحیت خود را با تداخل و اصطکاک بسیار اعمال می‌نمودند. به طور کلی، موانع موجود بر سر راه تحقیقات علمی در دهه ۱۹۷۰ را می‌توان در علل و عوامل شش‌گانه‌ی زیر خلاصه نمود:

۱) تغییرات در زمان، منابع، پول؛

۲) تشدید آیین‌های درخواست برای ترخیص؛

۳) اثرگذاری بر ماهیت، چارچوب، و روش‌های تحقیقات دریایی؛

۴) رد درخواست‌های ترخیص؛

۵) پیدایش نشانه‌هایی از نگرانی‌های بین‌المللی خصوصی و عمومی؛

۶) ایجاد رژیم برای بستر اعماق.^۳

این در حالی است که محققان علوم دریایی، نقصان موجود در انجام تحقیقات علمی دریایی مؤثر را در چهار دلیل زیر خلاصه می‌کنند:

^۱ F. Wegelein, Marine Scientific Research, op. cit, p. 32.

^۲ A. H. A. Soons, Marine scientific research and the law of the sea, T.M.C. Asser Institute, 1982, op. cit., 96 p.

^۳ به نقل از:

F. Wegelein, Ibid, 32- 33 pp.

رژیم «نوین» تحقیقات علمی دریایی به طور کامل متفاوت است. کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد برای حقوق دریاها حاوی یک رژیم حقوقی مفصل و مبسوط برای انجام تحقیقات علمی دریایی در دریا است. گرچه این رژیم در سال ۱۹۹۴ آن هم تنها برای دولت‌های عضو آن لازم‌الاجرا گردید، با این حال، تا امروز اکثریت پرشماری از دولت‌ها به عضویت آن در آمده‌اند^۷ و از بسیاری از جنبه‌ها، مقررات آن پیش از این، منعکس‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی بوده و از طریق عملکرد متعاقب نیز مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته‌اند. هرچند پاره‌ای از مقررات آن در زمره‌ی حقوق عرفی قلمداد نشده و یا وضعیتی نامشخص دارند.^۸ افزون بر این، هر رژیم حقوقی بی‌نیاز از تغییر نیست، آن هم به دلیل پیشرفت‌های نوین در عرصه علوم و فناوری که گاهی همین پیشرفت‌های نوین بسترساز پیچیدگی و دشواری در رژیم تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها هستند. از سوی دیگر، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را باید مجموعه‌ی واحدی به‌شمار آورد که مقررات آن به یکدیگر پیوند خورده‌اند. این کنوانسیون را شاید بتوان یکی از نقاط عطف قانون‌گذاری بین‌المللی در قرن بیستم قلمداد نمود. غالب جنبه‌های کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به یکدیگر مرتبط بوده و قالب یک سند یکپارچه را به خود گرفته‌اند.^۹ نظر ریاست کنفرانس سوم حقوق دریاها ملل متحد بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ درخصوص این کنوانسیون چنین است:

«اگرچه این کنوانسیون متشکل از یک سلسله بده‌بستان‌هاست، با این حال مقررات آن (و همین بده‌بستان‌ها) قالب یک کل واحد و یکپارچه را به خود گرفته‌اند. به همین دلیل است که این کنوانسیون امکان اعمال حق شرط بر آن را مجاز نمی‌دارد. از همین‌رو، این امکان برای دولت‌ها وجود ندارد که آنچه باب میل‌شان هست را گلچین کنند و آنچه باب میل‌شان نیست را کنار گذارند. در حقوق بین‌الملل، مانند حقوق داخلی، حقوق و تکالیف، شانه‌به‌شانه یکدیگر پیش می‌روند. از همین‌رو، از لحاظ

این وضعیت به‌ویژه در مورد مقوله تحقیقات علمی دریایی صدق می‌کرد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی یک گذار تدریجی از رژیم «قدیم» تحقیقات علمی دریایی، منعکس در کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ حقوق دریاها، به رژیم «نوین» آن، که در کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریاها در خلال سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲ مطرح و معرفی گردید، رخ داد.^۱ این گذار تاریخی از رژیم قدیم به رژیم نوین آن در نهایت در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد برای حقوق دریاها منعکس گردید.

رژیم «قدیم» کمابیش ساده به‌نظر می‌رسید: در پهنای سه مایل دریایی منطقه‌ی دریایی سرزمینی، حاکمیت دولت ساحلی به وی کنترل کاملی اعطا می‌کرد تا هرگونه اقدام مربوط به تحقیقات علمی دریایی را در اختیار و کنترل داشته باشد، و در آن سوی منطقه‌ی دریای سرزمینی وضعیت چنین بود که هرگونه اقدام به تحقیقات علمی دریایی، آزادانه، مبتنی بر اصل آزادی دریای آزاد به اجرا درمی‌آمد، تنها با یک استثنای مهم که همانا اعمال تحقیقات علمی دریایی در فلات قاره بود که مستلزم رضایت قبلی دولت ساحلی بود.^۲ ابهاماتی همچون در این خصوص وجود داشت که به‌طور دقیق، مصداق تحقیقات «راجع به فلات قاره و قابل اجرا در آنجا»^۳ تحت کنترل دولت ساحلی چیست، و در خصوص حدود جغرافیایی فلات قاره نیز ابهاماتی وجود داشت.^۴ افزون بر این، ایجاد مناطق وسیع صیادی، سرآغاز پیدایش ابهامات پیرامون چارچوب و حدود جغرافیایی صلاحیت دولت ساحلی بر فعالیت‌های تحقیقاتی مربوط به منابع زنده در چنین مناطقی بود.^۵

^۱ برای مطالعه مبسوط پیرامون نحوه شکل‌گیری و تکامل این روند بنگرید به:

- Alfred H. A. Soons, *Marine scientific research and the law of the sea*, Deventer, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1982, 261-262 pp.

^۲ بنگرید به بند ۸ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو فلات قاره.

^۳ بند ۸ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو فلات قاره چنین اشعار می‌دارد: «رضایت دولت ساحلی درخصوص هرگونه تحقیقات راجع به فلات قاره و قابل اجرا در آنجا باید جلب گردد. با این وجود، دولت ساحلی نباید به‌طور معمول از دادن رضایت به درخواست ارایه شده توسط یک نهاد صلاحیت‌دار که هدف تحقیقاتی علمی محض در باب ویژگی‌های فیزیکی یا زیست‌شناختی فلات قاره دارد، استنکاف ورزد، مشروط به این شرط که دولت ساحلی حق شرکت یا اعزام نماینده در جریان تحقیقات را در صورت تمایل داشته باشد، و اینکه نتایج حاصل از تحقیقات تحت هر شرایطی انتشار یابد.» همچنین برای مطالعه بیشتر در این خصوص بنگرید به: منبع مندرج در پاورقی شماره ۳، صفحات ۵۵ الی ۸۲

^۴ تعریف فلات قاره همچنان بی‌نتیجه باقی مانده بود، آن هم به دلیل تسری به معیار قابلیت استخراج در تعریف مقرر در ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو فلات قاره.

^۵ A. H. A., Soons, *The Legal Regime of Marine Scientific Research: Current Issues*, in *Law, Science and Ocean Management*, edited by:

Myron H. Nordquist, Ronan Long, Tomas H. Heidar, and John Norton Moor, 2007, 141 p.

^۶ لازم به ذکر است که تا تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۹۰ (۲۱ ژوئیه ۲۰۱۱) در مجموع ۱۶۲ دولت، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را به تصویب رسانده‌اند.

^۷ A. H. A., Soons, *The Legal Regime of Marine Scientific Research*, op. cit, 141-142 pp.

^۸ Ronán Long, *Marine Science Capacity Boulding and Technology Transfer: Rights and Duties Go Hand in Hand Under the 1982 UNCLOS*, in M. H. Nordquist and Others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 2007, pp. 299-311, at 299-300 pp.

بنابراین، به عنوان نمونه، شق دوم پاراگراف (ب) بند (۱) ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به دولت ساحلی صلاحیت مربوط به تحقیقات علمی دریایی در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی را اعطا می‌کند، و این در حالی است که بخش سیزدهم این کنوانسیون، اصول مربوط به اجرا و حدود و ثغور این صلاحیت را در خود گنجانده است. این قالب‌بندی کنوانسیون به نظر می‌رسد منطقی بوده و درک مقررات آن را به‌ویژه در حوزه تحقیقات علمی دریایی ساده‌تر می‌نماید. این قالب‌بندی و نظم منطقی که در سراسر کنوانسیون هم اعمال شده است، موجب گردیده تا رژیم مقرر در بخش سیزدهم کنوانسیون، در چارچوب همین نظم منطقی، ارتباط روشن و ملموسی را با سایر مقررات این سند حقوقی بین‌المللی در تمامی ابعاد برقرار سازد.

پس از ارایه این مقدمه تحلیلی در باب رژیم تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، به نظر می‌رسد بحث مهمی که در همین بخش جای طرح و بررسی دارد، تأثیرها و پیامدهایی است که این رژیم به‌طور کلی بر علوم دریایی و اقیانوسی از ابتدای تصویب کنوانسیون تا به امروز داشته است.

۴. پیامدهای رژیم حقوقی نوین تحقیقات علمی دریایی بر علوم دریایی

پیامد رژیم نوین تحقیقات علمی دریایی بر علوم دریایی و اقیانوسی، در وهله‌ی نخست کمابیش متأثر از همان رویکردی بود که در مقطع زمانی پیش از کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریاها و نیز در جریان این کنفرانس حاکم بود و حاکی از نگرانی‌های دانشمندان و محققان علوم دریایی بود.^۴ این نگرانی‌ها، بدون توجه به ابعاد گوناگون موضوع، به‌طور عمده متمرکز بر اثرات احتمالی منفی بر علوم اقیانوسی بود که به تبع رژیم مبتنی بر رضایت دولت ساحلی بر اجرای تحقیقات علمی دریایی ابراز می‌شد که مناطق وسیع دریایی را تحت صلاحیت دولت ساحلی مستقر می‌ساخت.

^۴ در این زمینه، به‌عنوان نمونه بنگرید به:

- W. S. Wooster, "Research in troubled waters: U. S. research vessel clearance experience 1972-1978", *Ocean Development and International Law* 1981, 219-239 pp.

و همچنین:

- J. A. Knauss and M.H. Katsouros, "Recent experience of the United States in conducting marine scientific research in coastal exclusive economic zones", in *The Law of the Sea: What lies ahead?*, T. A. Clingan ed., LSI, Honolulu 1988, 297-309 pp.

حقوقی هیچ دولتی (یا سازمانی) مجاز نیست که از حقی وفق کنوانسیون متمتع شود، بی‌آنکه مهبیای تقبل تکالیف مابه‌ازای آن باشد.^۱

بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد برای حقوق دریاها مشتمل بر ۲۷ ماده در شش قسمت مجزا است، که موجد رژیم تحقیقات علمی دریایی در چارچوب این کنوانسیون است.^۲ مفاد مقرر در بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مبین اصول و التزامات کلی است، که برای تمامی دولت‌ها لازم‌الرعایه است، همچنین دربردارنده‌ی محدودیت‌های عملیاتی مجری بر فعالیت‌های تحقیقاتی برحسب مکان اجرای تحقیقات هستند. مقررات کلی‌تر تحت عنوان یک سند تکمیلی در «قطعنامه‌ی توسعه‌ی زیرساخت‌های علوم دریایی، فناوری و خدمات اقیانوسی ملی»^۳، به‌مصوبه‌ی نهایی کنفرانس سوم ملل متحد حقوق دریاها پیوست گردید، تا در یک قالب خاص، تمام مفاد کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ را احاطه نماید و به تمامی مقررات آن تسری یابد.

بخش سیزدهم این کنوانسیون باید به همراه بخش‌های پیشین این کنوانسیون، راجع به اختصاص فضای دریایی، به‌ویژه بخش‌های دوم الی پنجم کنوانسیون، مدنظر قرار گیرد. در جریان کار کمیته‌ی فرعی پیش از کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریاها، روشن شده بود که مسایل مربوط به تحقیقات علمی در قالب‌های دیگری قرار خواهند گرفت. از همین‌رو، تدوین‌کنندگان کنوانسیون به‌جای رجوع به مقررات پس و پیش در این سند، به‌طور مثال، به فراخور منطقه دریایی مربوطه برای انجام تحقیقات علمی دریایی، تصمیم به اختصاص یک بخش کلی برای تحقیقات علمی دریایی با اصول اساسی آن گرفتند، و در هر حوزه‌ی مجزا، به درج مقررات خاص موجد یک رژیم کلی برای هدفی خاص مبادرت نمودند.

^۱ Thomas T. Koh, A Constitution for the Oceans, Remarks made by the President of the Third United Nations Conference on the Law of the Sea on December 6 and 11, 1982, at final session of the Conference at Montego Bay, United Nations, New York, 1983, XXXVI p.

^۲ البته کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به‌طور کلی حاوی ۴۰ ماده است که درخصوص

درجات گوناگون علوم دریایی و فناوری مجری هستند. در این زمینه بنگرید به:

- M. P. Crosby, *Improving International Relations Through Marine Science Partner Ships*, in M. H. Nordquist and others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 2007, 271-293 pp.

^۳ این قطعنامه به نقل از منبع ذیل است:

- Myron H. Nordquist and other, editors, *United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary, Articles 1 to 85, Volume II*, Dordrecht, 2002, 436 pp. and forward.

توسط مقام بین‌المللی اعماق دریا درآمده است^۳، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های تحقیقات علمی دریایی در مناطق تحت صلاحیت دولت ساحلی دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد شد.

این وضعیت درخصوص پروژه‌های تحقیقاتی که قرار است در مناطق تحت صلاحیت چند دولت ساحلی به اجرا درآیند، به احتمال زیاد بغرنج‌تر خواهد بود. این پنداشت، کمابیش بی‌اساس بود و مطرح‌کنندگان این نگرانی‌ها در جریان کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریاها تنها قصد آن داشتند تا از افزایش اختیارات دولت ساحلی در کنترل و نظارت بر فعالیت‌های علمی دریایی در نواحی مجاور سواحلش جلوگیری کنند، بی‌آنکه چاره‌ای برای این نگرانی خود بیاندیشند و پیشنهادی برای رفع دغدغه‌های ناشی از این پنداشت خود ارائه دهند، جز اینکه بر آزادی بی‌قید و حداکثری فعالیت‌های تحقیقاتی علمی در نواحی گوناگون دریایی پافشاری کنند. البته از زمینه‌های نگرانی دولت‌های ساحلی درحال توسعه هم نباید گذشت.

البته به رغم این پنداشت نادرست در مورد تأثیرهای منفی رژیم بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بر علوم دریایی و اقیانوسی، این اندیشه وجود داشت که نهادهای تحقیقاتی علمی دریایی، از بسیاری جهات، می‌توانند به رفع پیامدهای منفی احتمالی پیش‌گفته درباره رژیم نوین تحقیقات علمی دریایی کمک کنند.^۴ البته گمانه‌زنی‌هایی هم در تأثیر آتی رژیم نوین تحقیقات علمی دریایی بر علوم دریایی و اقیانوسی مطرح شد که اغلب ریشه در همین نگرانی داشت. این گمانه‌زنی‌ها، متضمن واکنش‌های احتمالی دولت‌ها و نهادهای تحقیق‌کننده پس از اعمال رژیم نوین تحقیقات علمی دریایی بودند. نخستین واکنشی که احتمال تحقق آن را می‌دادند این بود که دولت‌های تحقیق‌کننده، پس از آن، تا حد امکان بر تحقیقاتی تمرکز کنند که به‌طور کامل در آن‌سوی مناطق دریایی تحت صلاحیت دولت ساحلی قابل اجراست.^۵

این گمانه‌زنی به‌طور عمده از چهار جهت نادرست بود: نخست این‌که، با تحدید حدود جغرافیایی که می‌توان برای این نوع تحقیقات ترسیم نمود، هدف و منظور آن معلول خواهد شد؛ بدین معنا که امروز کمتر دولتی را می‌توان یافت که مناطق دریایی

این در حالی بود این گروه از محققان علوم دریایی (به همراه طرفداران و منتفعان عمده از آزادی حداکثری و بی‌قید دریاها) تنها بر این بعد موضوع تکیه می‌نمودند که ضرورت کسب دانش و آگاهی بیشتر پیرامون محیط زیست دریایی مقوله‌ای پراهمیت است. در آن زمان، غالب پروژه‌های تحقیقات علمی دریایی توسط نهادهای متعلق به تعداد اندکی از کشورهای توسعه‌یافته، به‌طور عمده خارج از سواحل دولت‌های درحال توسعه به انجام می‌رسیدند. هم‌زمان، دولت‌های درحال توسعه نگرانی خود را در این باره ابراز داشتند که منافع آنان به حد کافی، به هنگام طراحی و اجرای چنین پروژه‌هایی لحاظ نگردیده است، و تردید دارند که آیا به واقع از برآیند این تحقیقات به‌طور منصفانه متمتع می‌گردند یا خیر. فضای کلی کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریاها تحت‌الشعاع همین دو نگرانی عمده قرار داشت و غالب کشمکش‌ها در همین زمینه خلاصه می‌شد.

به بیان دقیق‌تر، دغدغه دانشمندان از این بود که تعداد پروژه‌های تحقیقات علمی دریایی که نیازمند اخذ رضایت دولت ساحلی است، افزایش یابد، بدین دلیل که می‌پنداشتند در نتیجه این افزایش، احتمال مخالفت‌ها و تأخیرهای دولت ساحلی برای صدور مجوز این تحقیقات نیز بیشتر خواهد شد.^۱ افزون بر این، آن‌ها می‌پنداشتند که فرایندهای اداری برای کسب رضایت دولت ساحلی و نیز تضمین پایبندی و رعایت شرایط حاکم بر اجرای پروژه‌های تحقیقاتی پیچیده‌تر خواهد شد، و شاید از همه مهم‌تر، هزینه‌های بیشتری را در پی داشته باشد. به‌ویژه، این تلقی وجود داشت که پایبندی به شرایط مربوط به تضمین شرکت دولت ساحلی در پروژه تحقیقاتی، دسترسی به نتایج تحقیقات و اطلاعات و نمونه‌های جمع‌آوری‌شده، و کمک در ارزیابی و تفسیر اطلاعات، نمونه‌ها و نتایج تحقیقات، هزینه پروژه‌های تحقیقات انفرادی را بالا خواهد برد.^۲

به‌دیگر سخن، نگرانی اصلی محققان علوم دریایی و طرفداران آزادی حداکثری دریاها، که به‌طور عمده به کشورهای نیرومند دریایی تعلق داشتند، این بود که، اکنون که در نتیجه کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، «چهل درصد از کل دریاهای جهان تحت سیطره مناطق ملی تحت کنترل صلاحیتی دولت‌ها درآمده‌اند، و مناطق بستر اعماق دریا نیز تحت نوعی کنترل بین‌المللی، آن هم

^۳ Christopher K. Vanderpool, Marine Science and the Law of the Sea, Social Studies of Science, vol. 13, No. 1, 1983, 107-129 pp. at 125 p.

^۴ A. Soons, The international legal regime marine scientific research, Netherlands international law review, vol. 24, 1977, op. cit, 146 p.

^۵ A. Soons, Ibid, 145 p.

^۱ A. Soons, The Legal Regime of Marine Scientific Research, op. cit, 145 p.

^۲ J. L. Jacobson. "Marine scientific research under emerging ocean law", Ocean Development and International law, 1981, 193-194 pp.

کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و ناوگان دریانوردی مطلوب این امکان را به آنان داده است تا به انجام تحقیقات علمی دریایی در مناطق دوردست مبادرت ورزند.^۳ سومین واکنش احتمالی که در جریان گمانه‌زنی‌های پیش‌گفته مطرح شد این بود که پس از فعال شدن رژیم مقرر در بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دانشمندان علوم دریایی همچنان به تحقیقات خود در مناطق تحت صلاحیت دولت‌های ساحلی ادامه خواهند داد، ولی به‌نظر می‌رسد با این تفاوت که تمرکز خود را بر مناطقی معطوف خواهند ساخت که دسترسی آسان به آن (از حیث تخمین‌پذیری، سرعت و قطعیت در پاسخ دولت ساحلی به تقاضای مجوز، و ماهیت و حدود و ثغور شروط مقرر توسط آن دولت) اثبات شده باشد.^۴ این پیش‌بینی نیز خالی

^۳ در همین راستا به عنوان نمونه، به وضعیت کشور خودمان اشاره می‌کنیم: طبق اعلام رسمی مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی، برای تهیه و تجهیز یک شناور تحقیقاتی اقیانوس‌شناسی ۱۰۰ میلیارد ریال اختصاص یافته است. این اقدام گام بلندی در جهت زمینه‌سازی برای حضور در باشگاه اقیانوسی جهان و عرصه‌های مختلف علمی و فناورانه قلمداد می‌شود. همچنین ایجاد یک ناوگان کامل تحقیقات دریایی شامل دست‌کم دو شناور تحقیقاتی و یک شناور بزرگتر با طول حداقل ۱۰۰ متر برای گشت‌های دریایی از برنامه‌های بلندمدت مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی محسوب می‌شود. بر اساس اعلام رسمی، طراحی و ساخت کشتی تحقیقاتی توسط متخصصان ایرانی زمینه‌ای برای ورود ایران به عرصه‌های اقیانوس‌شناسی جهان است. افزون بر این، انجام تحقیقات دریایی در اقیانوس هند و ورود به طرح‌های تحقیقاتی اقیانوس هند از اهداف راه‌اندازی این مرکز تحقیقات دریایی بیان شده است. منبع خبر: تارنمای مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی (گفتگوی خبری با ریاست مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی) به نقل از خبرگزاری ایرنا، به نشانی:

<http://www.inio.ac.ir/news_show.asp?idn=15>

^۴ آلفرد سونز بر این باور است که «این‌که کدام دولت‌های ساحلی را می‌توان مداراکننده‌ترین و آسان‌گیرترین دولت‌ها در زمینه اعطای حق دسترسی نسبت به تحقیقات علمی دریایی به‌شمار آورد، پیش‌بینی دشواری است. رفتار یک دولت ساحلی نسبت به تحقیقات علمی دریایی قابل انجام در مناطق تحت صلاحیت او توسط نهادهای متعلق به دولت دیگر را باید با در نظر گرفتن شاخص‌های گوناگونی تشخیص داد، که از میان آن شاخص‌ها، مهم‌ترین موارد به‌نظر می‌رسند سطح توسعه-یافتگی اقتصادی و علمی و میزان درک ناشی از آن که یک دولت از نیازهای خود در این زمینه‌ها دارد و این‌که چگونه این موارد به پروژه تحقیقاتی مورد نظر ارتباط پیدا می‌کنند است، همچنین کارکرد آیین‌های اداری داخلی آن دولت برای بررسی درخواست‌های اخذ رضایت برای انجام تحقیقات نیز شاخص مهمی است. جدای این شاخص‌های کلی (که مشخص‌کننده رفتار دولت ساحلی در قبال درخواست‌های دریافتی از هر دولتی است) یک شاخص ویژه وجود دارد که رفتار آن دولت را در قبال یک دولت خاص، یا گروهی از دولت‌ها معین می‌کند، که همانا ماهیت روابط سیاسی میان آن‌هاست». در این زمینه بنگرید به: منبع پیشین، صفحه ۱۴۴.

تحت صلاحیت خود را بی‌نیاز از انجام این تحقیقات و بهره‌مندی از فواید آن تلقی کند. دوم اینکه، جالب توجه‌ترین مناطق برای تحقیقات علمی دریایی به‌طور عمده مناطق کم‌عمق فلات قاره و آب‌های بالای آن برای محققان و دولت‌ها هستند. سوم این‌که، فعالیت دولت‌ها در چارچوب موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و بین-المللی و نیز در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار در زمینه تحقیقات علمی دریایی امروزه تا حد زیادی مقوله دسترسی به مناطق دریایی را تسهیل نموده است.

سرانجام چهارم این‌که، رژیم بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به گونه‌ای طراحی شده است که به قدر کافی عوامل انگیزشی برای دولت‌های ساحلی در اعلام رضایت و مشارکت در پروژه‌های تحقیقاتی قابل انجام در نواحی دریایی مجاور سواحل‌شان در خود داشته باشد. مواردی همچون، مهیا نمودن امکان شرکت محققان و ناظران دولت ساحلی در پروژه تحقیقاتی، امکان دسترسی به داده‌ها و نمونه‌های جمع‌آوری شده تحقیقات، امکان دسترسی به نتایج موقت و نهایی حاصل از تحقیقات، انتقال فناوری و مهارت، امکان انتقال سکو یا تجهیزات تحقیقاتی، و غیره از آن جمله‌اند. زیرا «یکی از مهم‌ترین دلایل عدم رغبت دولت‌های در حال توسعه به اعطای رضایت یا اجازه به تحقیقات علمی دریایی در مناطق دریایی تحت حاکمیت یا صلاحیت‌شان وفق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، فقدان ظرفیت کنترل و نظارت فعالانه کشتی‌های تحقیقاتی علمی دریایی بیگانه بوده است که برآیند فقدان نهادها، کشتی‌ها، ابزارها، تخصص لازم، و منابع مالی کافی برای انجام چنین کنترل و نظارتی است»^۱. بدیهی است که با اتخاذ تدابیر رافع این نارسایی‌ها، انگیزه‌ی این دولت‌ها برای حضور فعالانه در عرصه تحقیقات علمی دریایی فراهم خواهد شد.

واکنش احتمالی دیگری که در جریان گمانه‌زنی‌های پیش‌گفته مطرح شد این بود که هر سازمان تحقیقاتی، میزان تحقیقات خود را در مناطق تحت صلاحیت دولت ساحلی محل وقوع خود افزایش دهد و از انجام تحقیقات علمی دریایی در خارج از این مناطق تا حد امکان خودداری ورزد.^۲ این گمانه‌زنی نیز خالی از ایراد نبود؛ زیرا امروزه با پیشرفت فناوری و علوم در بسیاری از

^۱ Ronán Long, Marine Science Capacity Building and Technology Transfer: Rights and Duties Go Hand in Hand Under the 1982 UNCLOS, in M. H. Nordquist and Others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, 2007, 299-311 pp. at 307- 308 pp.

^۲ A. Soons, Ibid, 146 p.

دولتی متمرکز سازند که خود آن دولت نقش تحقیق‌کننده را ایفا می‌کند؛ یا اینکه بر پدیده‌ها و فرایندهایی متمرکز شوند که بتوان تحقیقات آن را در درون صلاحیت شمار معینی از دولت‌های ساحلی به انجام رساند و اطمینان قبلی حاصل نمود که تحقیقات از این حوزه‌ی صلاحیتی خارج نمی‌گردد.^۲

اما دقت نظر تدوین‌کنندگان، و ظرافت قابل مشاهده در کنوانسیون ۱۹۸۲ و به‌ویژه بخش سیزدهم آن، تا حد زیادی این احتمال‌ها را پیش‌بینی و مرتفع نموده است. البته نمی‌توان انکار کرد که ملاحظات حقوقی، اداری یا سیاسی بر اولویت‌های موجود در زمینه‌ی تحقیقات مسایل علمی اثرگذاری دارد. گرچه این امر چندان هم غیرعادی و غیرمتداول نبوده و باید گفت که این اثرگذاری‌ها تا حد زیادی غیرقابل اجتناب است، بدین دلیل که این دولت‌ها هستند که درخصوص بودجه تحقیقات علمی تصمیم‌ساز هستند، و از همین رو چنین اثرگذاری‌های ناخواسته‌ای از افق پیشبرد علوم بنیادین دریایی قابل پیش‌بینی است.

سرانجام، آنچه غیرقابل انکار است این است که تمامی این احتمالات، تجربیات و گمانه‌زنی‌ها نقش به‌سزایی در جریان مذاکرات راجع به مقررات بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها ایفا نمودند. در واقع همین امر باعث شد تا در پاسخ به این نگرانی‌ها، مقررات صریحی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اندراج یابد که دولت‌ها را ترغیب به ارتقا و تسهیل توسعه و اجرای تحقیقات علمی دریایی^۳، بالا بردن همکاری‌ها بین‌المللی^۴، ایجاد شرایط مطلوب برای اجرای تحقیقات علمی دریایی^۵، و همچنین تدوین قواعد، مقررات و فرایندهای مطلوب و منطقی در جهت ارتقا و تسهیل تحقیقات علمی دریایی در آن سوی منطقه‌ی دریای سرزمینی می‌نماید.^۶ این نشان از آن دارد که کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، و به‌ویژه بخش سیزدهم آن، افزون بر این‌که از جامعیت برخوردار است، در نیل به یک توازن منطقی رضایت‌بخش، میان طیف‌های گوناگون دولت‌ها، کامیاب بوده است و انتظارات تمامی دولت‌ها را تا حد امکان برآورده ساخته است. این همان فرضیه‌ای است که این نوشتار درصدد اثبات آن بوده است.

از اشکال نیست که دلایل عمده آن نیز همان مواردی است که در خصوص واکنش احتمالی نخست بیان کردیم.

افزون بر این، یک ایراد مهم که می‌توان به تمامی این سه احتمال یا سناریو وارد کرد، این است که در تمامی آن‌ها این فرضیه وجود داشت که دانشمندان سکوت اختیار کرده و تنها خودشان را با رفتار دولت‌ها به‌طور کلی، و دولت‌های ساحلی به‌طور خاص سازگار سازند. راه دیگری که آنان برای واکنش به این رژیم جدید داشتند این بود که فعالانه در پی برآورده نمودن بالاترین حد شرایط، در چارچوب کلی این رژیم حقوقی جدید، برای دسترسی به مناطق مورد نظر برای تحقیقات علمی دریایی باشند.

همان‌طور که پیش‌تر هم گفتیم، به دلیل وجود فرایندهای رسمی در تقاضای صدور مجوز از دولت ساحلی، این راه به معنی ترغیب و تشویق دولت‌های درگیر در مسئله به انعقاد موافقتنامه‌های فی‌مابین است. چنین موافقتنامه‌هایی، که هم می‌تواند دوجانبه و هم منطقه‌ای باشد، می‌تواند موجب فرایندهای ویژه و آسان در کسب رضایت و مجوز دولت ساحلی باشد و یا حتی به ایجاد قواعد خاص برای دسترسی به نتایج تحقیقات، مشارکت، آموزش، انتقال فن‌آوری، و غیره منجر شود. چنین موافقتنامه‌های منطقه‌ای (یا ترتیبات تحت نظارت سازمان‌های منطقه‌ای) به‌ویژه هنگامی می‌تواند مؤثر عمل کند که در یک منطقه‌ی خاص دولت‌های مشارکت‌کننده به‌نسبت از لحاظ سیاسی و اقتصادی تشابهاتی داشته باشند، و همگی آن دولت‌ها، دست‌کم تا حدی، هم دولت تحقیق‌کننده و هم دولت ساحلی باشند (عنصر عمل متقابل). موافقتنامه‌های دوجانبه هم می‌تواند تحت همین شرایط مؤثر واقع شود، و چه بسا از حیث تنظیم ترتیبات میان دولت تحقیق‌کننده و دولت ساحلی در حال توسعه بسیار مناسب‌تر خواهند بود.^۱

این واکنش‌ها، یا به عبارتی، گزینه‌های احتمالی گوناگون نسبت به این رژیم جدید، در صورتی که راهکاری برای شان در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها پیش‌بینی نمی‌شد، می‌توانستند تأثیر عمده‌ای بر تصمیمات اتخاذی راجع به مسایل علمی مورد تحقیق بگذارند. به‌عنوان نمونه، این احتمال وجود داشت که آن‌ها منجر به اتخاذ تصمیماتی شوند که تحقیقات را بر پدیده‌ها و فرایندهایی متمرکز می‌کند که در مناطق آن سوی صلاحیت ملی واقع شده‌اند؛ یا اینکه تحقیقات مزبور را در درون صلاحیت ملی

^۲ Ibid.

^۳ بنگرید به ماده ۲۳۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

^۴ بنگرید به ماده ۲۴۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

^۵ بنگرید به ماده ۲۴۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

^۶ بنگرید به ماده ۲۵۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

^۱ A. Soons, Ibid, 147 p.

- ضیایی بیگدلی، م.، ۱۳۸۵. حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران: گنج دانش، صفحات. ۳۴۹ و ۳۵۰.
- متین‌دفتری، ا.، ۱۳۸۷. سیر تحولات حقوق بین‌الملل دریایی از گروسیوس تا کنفرانس ژنو، تهران: گنج دانش، صفحه. ۳۶۹-۳۷۵.
- ممتاز، ج.، ۱۳۵۴. حقوق دریاها، تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران.
- ممتاز، ج.، ۵۸-۱۳۵۷. نظام نوین دریاها و اقیانوس‌ها، مجله روابط بین‌الملل، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۲ - ۱۱.
- ممتاز، ج.؛ رنجبریان، ا.، ۱۳۷۶. ایران و حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، پاییز.
- Brown, E.D., 1969. Freedom of scientific Research and Legal Regime of Hydrospace, *Indian Journal of International Law*, No. 9, 353 p.
- Crosby, M.P., 2007. Improving International Relations through Marine Science Partner Ships, in M. H. Nordquist and others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 271-293 pp.
- Knauss, J.A.; Katsouros, M. H., 1988. Recent Experience of the United States in Conducting Marine Scientific Research in Coastal State Exclusive Economic Zones, in T. A. Clingan, editor, *What lies ahead?*, Honolulu, Hawaii, 297-309 pp.
- Long, R., 2007. Marine Science Capacity Building and Technology Transfer: Rights and Duties Go Hand in Hand Under the 1982 UNCLOS, in M. H. Nordquist and Others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 299-311 pp. at 299-300 pp.
- Nordquist, M.H., 2002. editors, *United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary*, Volumes I-V, Dordrecht, 430- 461 pp.
- Soons, A. H. A., 1977. The international legal regime marine scientific research, *Netherlands international law review*, vol. 24, 140- 151 pp.

رژیم «نوین» تحقیقات علمی دریایی به‌طور کامل متفاوت از رژیم پیش از خود خود است. زیرا گذشته از گسترش وسیع مناطق دریایی تحت حاکمیت دولت ساحلی، از طریق گسترش دریای سرزمینی تا ۱۲ مایل دریایی و معرفی و تبیین آب‌های مجمع‌الجزایری، معرفی منطقه انحصاری اقتصادی به عرض ۲۰۰ مایل دریایی و تعریف مبسوط فلات قاره منجر به افزایش چشمگیر مناطق دریایی شد که انجام تحقیقات علمی دریایی را مشروط به رضایت دولت ساحلی می‌نمود و در نتیجه به کاهش منطقه دریای آزاد انجامید که در آن تحقیقات علمی دریایی آزادانه همچنان قابلیت اجرا داشت. رژیم نوین مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها موجد یک تراضی و بده‌بستان میان مدافعان آزادی حداکثری تحقیقات علمی دریایی و طرفداران کنترل حداکثری دولت ساحلی بر تحقیقات علمی دریایی است.

تحقیقات علمی دریایی امروزه خود را در جایگاه حساسی می‌بیند: از یک سو، تقاضای روزافزونی برای آگاهی علمی وجود دارد، که به‌طور گسترده به‌منابه پیش‌نیازی برای تصمیمات صحیح مدیریتی قلمداد می‌شود؛^۱ و از سوی دیگر، امکان کاربردهای چندگانه از نتایج حاصل از تحقیقات علمی دریایی و وجود روزنه‌هایی برای سؤاستفاده از این مقوله موجب شده است که دولت‌ها نسبت به آن حساب شده و با دقت و احتیاط بیشتری عمل کنند. بخش سیزدهم کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، در ایجاد یک سامانه متوازن حقوق و تکالیف برای هر دو دولت ساحلی و تحقیق‌کننده، اقدام به ترکیب هم‌زمان منافع امنیتی و تمامیتی دولت‌های ساحلی، با نیاز دولت‌های تحقیق‌کننده برای دسترسی به تمامی بخش‌های دریا نموده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها با این هدف ایجاد شده است که دربرگیرنده قواعد معتبر و قابل اجرا در فرایندی باشد که اهدافش از یک سو، تحقیقات برای پیشبرد دانش بشری است و از سوی دیگر حفظ امنیت، تمامیت و صلاحیت و نیز منابع ملی و منافع اقتصادی. بازیگران در این فرایند، یک یا چند دولت تحقیق‌کننده هستند، که مشتمل بر سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار به نمایندگی از مجری تحقیقات و یک یا چند دولت ساحلی هستند.

^۱ برای مطالعه‌ی نمونه‌ای از اسناد مؤید این دیدگاه، بنگرید به:

- U. N. Secretary General, *Oceans and the law of the sea*, UN Doc. A/56/58, New York, 9 March 2001, para. 9.

- Third United Nations Conference on the Law of the Sea]: Comment, Law and Contemporary Problems, vol. 46, No. 2, The Law of the Sea: Where Now? 167-173, pp. at 169.
- Wegelein, F.H.Th., 2005. Marine scientific research: the operation and status of research vessels and other platforms in international law, Martinus Nijhoff, 32- 61 pp.
- Wooster, W.S., 1981. "Research in troubled waters: U. S. research vessel clearance experience 1972-1978", Ocean Development and International Law, 219-239 pp.
- Soons, A.H.A., 2007. The Legal Regime of Marine Scientific Research: Current Issues, In M. H. Nordquist and others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, 139- 166 pp.
- Vallarta, Jose Louis., 1983. Protection and Preservation of the Marine Environment and Marine Scientific Research at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, Law and Contemporary Problems, vol. 2, The Law of The Sea: Where Now?, 147-154, pp. at 153 p.
- Walsh, D., 1983. [Protection and Preservation of the Marine Environment and Marine Scientific Research at